

از : الثورة جمهوری عربی یمن شمالی

نوشتة : احمد محمد زیاده مفتی جمهوری یمن

روابط سیاسی و فرهنگی یمن و ایران

بمناسبت دیدار رهبر مؤمن ما ، ابراهیم الحمدی ، در رأس يك هیأت بزرگ از ایران و گسترش همکاریهای دو کشور برادر ... اندکی از روابط قبل و بعد از اسلام دو کشور را مینگارم .

سیف بن ذی یزن از استعمار حبشی ها به کسری روی آورد ، و کسری سپاهیان را به سرداری و هرزدر اختیار وی قرار داد و سیف بر احباش پیروز شد . پس از مرگ سیف حکومت یمن را به تناب و الیانی از پارس زعامت کردند که تیجان فرزند مرزبان فرزند وهران پارسی و سپس خسرو پورتیجان و باذان که بهنگام رهبری وی پیامبر اسلام به اطراف و اکناف جهان نامهها ایفاد داشت که در نتیجه باذان به اسلام گروید . برخی از والیان ایرانی بوده اند . پس از اینکه باذان و پادسیان و اهالی یمن از روی غبت به اسلام گرویدند ، پیامبر او را بر تمام یمن امارت داد . وی دستور داد در باغی که ملک او بود در باختر قصر غمدان محل سکناى وی قرار داشت ، مسجد بزرگی برپای دارند . یکی از پادسیان ، فیروز دیلمی بود که اسودمنسی کذاب را در همان شب بکشت که پیامبر پیش گوئی کرده بود و پیامبر پس از کشته شدن وی گفت او را مردی مبارک از ملتى مبارک بکشت . و این صحیح است که بر این کسان کلمه مبارک اطلاق شود . وهب بهمنبه صنعانی که از بزرگان تا بعین بشمار است و او را کتابی است بنام (کتاب النیجان فی اخبار ملوک حمیر) نیز از پادسیان بشمار است . این کتاب که بروایت ابن هشام به وی منسوب است در ۳۱ صفحه درهند بچاپ رسیده است . او بسال ۱۱۱ درماه شوال در ۹۰ سالگی به عالم باقی پیوسته . و نیز از پادسیان است هشام بن یوسف ابنای که عالم و واعظ و قاضی و امام جماعت صنعا بوده و بسال ۱۹۷ وفات کرده ، احادیث عدیده ای در أمهات از خود بجای گذارده و او را فرزندی فقیه و فاضل بوده بنام عبدالرحمن . و نیز از پادسیان بشمار است عبدالملک ابنای که از حفاظ بزرگ بوده و امام احمد حنبل و دیگران از وی اخذ حدیث کرده اند و سرانجام ابن ماهان

دست نشانده مأمون عباسی بخاطر اینکه وی به ابراهیم فرزند امام موسی کاظم ارادت می‌ورزیده در رمضان ۲۰۰ هجری او را از پای درآورد. و نیز از پارسیان مبارک است عبدالرزاق فرزند همام صنعانی ابنای که او را مسندی است در چهارجلد و تصانیف عدیده دیگر. وی بسال ۲۱۱ وفات کرده و گوروی در حمرامه- العلب زیارتگاه است.

در میان ابناء پارس، دانشمندان و زهاد و امراه و سخنوران فراوانی جلب نظر می‌کند... در سرزمین پارس و یمن دو دولت زیدی همزمان بر روی کار بودند، پدرم آقای محمد زبارة الحسنی که خدایش بیامرزد، می‌نویسد: آغاز کار زیدیه در دیلم و طبرستان بازمی‌گردد به حسن بن زید که از ترس جور و ستم متوکل عباسی مدینه منوره را ترک و درری سکونت گزید. ابن اثیر که علل قیام وی را یکایک بر شمرده، نوشته است که پس از ظهور امام یحیی بن الحسین زید، و کشته شدن وی بدست عامل عباسیان مردم طبرستان و دیلم به حسن بن زید روی آوردند و با او بیعت کردند و او بر آمل و ساری مسئولی شد و در نتیجه عامل بنی‌العباس با نا کامی مواجه شد و وی در اختیار طرفداران حسن بن زید قرار گرفت و وفات وی در رجب ۲۷۰ بوده و مدت ولایت وی ۱۹ سال هشت ماه و پانزده روز است.

سپس برادر وی، امام محمد بن زید که در گرگان بسال ۲۸۷ به شهادت رسید و پس از وی امام حسن بن علی که تألیفاتی از خود بجای گذاشته و در سال ۳۰۴ وفات کرده و سپس امام حسن بن قاسم بن حسن که بسال ۳۱۶ در طبرستان رخت از جهان بر بسته و پس از وی فرزندش، امام مهدی محمد بن حسن که مؤلفات فراوانی از او در دست است پیشوا و مقتدای زیدیان بوده‌اند. با امام مهدی در (هوسم) بیعت شد سپس مردم دیلم به وی نامه نوشتند و او بسال ۳۵۳ بجانب آنان رهسپار شد. ابوالحسن کرجی و ابو عبدالله بصری از مشایخ وی به‌شمارند. مدفن او در هوسم قرار دارد. و سپس امام احمد بن الحسین الهارونی که بسال ۴۱۱ در لنکه بمرد از پیشوایان زیدیان بوده است که اغلب تألیفات فراوان وی در دسترس زیدیان یمن است که از آنهاست شرح تجرید، الافاده، الزیادات، التفریعات فی الفقه، التبصره، تعلیق علی شرح السیدنا، اعجاز القرآن الامالی الصغری و سیاسة المریدین.

و پس برادر وی امام ابوطالب یحیی بن حسین هارونی که مانند او یکی از پایه‌های مذهب زیدیه یمن است امر امامت و زعامت را بهمه داشته. کتابهای المجزی و التحریر فی الفقه و شرحه و التذکره الامالی و الدعاهم از تألیفات اوست و پس از وی امام الهادی علی بن جعفر بن الحسن الحقیقی که در شهر کلاط طبرستان وفات کرده منصب فوق را تصدی کرده است و سپس امام ناصر الحسین بن جعفر بسال ۴۲۳ در هوسم زمام امور را بدست گرفت ولی چون از علم کافی بهره نبرده

بود دانشمندان با او بیعت نکردند و پس از آنکه شب و روز در تعلیم وی کوشیدند و او در علم بکمال رسید با او بیعت کردند و ۱۸۹ تن از مجتهدان و تعداد کثیری از سایر مردم از او حمایت کردند و بمدت چهل سال امر زعامت و رهبری را به عهده داشت تا آنکه بسال ۴۷۷ در هوسم بمرد که گوروی در آنجا باقیست .

پس نوبت به امام ابوالرضا الکیسی الحسینی میرسد وی در دیلم و جیل به دعوت برخاست و در چهارصد و نود و اندی دارفانی را وداع گفته است و سپس یحیی بن الحسین بن اسمعیل متوفای سال ۴۹۹ که مؤلف امالی بوده و در ری وفات کرده از ائمه زیدیه به شمار است و پس از وی امام ابوطالب یحیی بن احمد بن ابوالقاسم متوفای ۵۰۲ که گفته میشود او امرش تا صدها یمن نافذ بوده بر این منصب تکیه زده است دولت زیدیه ایران از آن جهت رشد کرد که در یمن تکیه گاهی قابل توجه داشته و ما این فرازا را از آن جهت باز آوردیم که غبار فراموشی بر آنها نشسته است .

و اما در مورد همکاریهای فرهنگی شاید اولای بذکر همان باشد که جمعی از مردم طبرستان برای نشر مذهب زیدیه به همراه امام هادی یحیی بن حسین راهی دیار یمن شدند برخی از این گروه در یمن رحل اقامت افکندند و در صنعا محله ای است که همچنان بنام محله طبری معروف است و ایشان را گورستانی بوده است که به گورستان طبری هاشمهور بوده . از ایشان مردی بنام علامه احمد بن موسی طبری شهره است ابوالرجال مورخ عرب در مطلع البدور گوید : وی با کسانش به یمن روی آورد و سپس آننگه مراجعت کرد و آننگه در تهامه بسر می برد امام هادی را در خواب دید که خطاب بوی گوید تعلیم را در یمن رها می کنی از خدای اندیشه کن و از تصمیم در گذر و او باز گشت و در صنعا بماند منزل وی که دیوار بدیوار ابن ضحاک حاکم یمن ، واقع شده بود ، روزی به وی گفت : به مذهب خود مردم را دعوت کن و دوستی اهل بیت را بر ملا کن و او داخل مسجد جامع صنعا شد و مردم را به مذهب هادی دعوت کرد و دیری نپایید که پیروانی او را گرد آمدند . وی در قرن چهارم هجری می زیسته است .

قرن ششم شاهد ورود دیک دانشمند بزرگ پارسی بنام زید بن علی خراسانی بود که وی از خطه خراسان بقصد زیارت مرقد امام هادی راهی یمن شده بود . مجلسی برای املائی فضایل خاندان عثرت ترتیب داده و بمدت دو سال و نیم در روزهای پنجشنبه و جمعه موعظت میکرد . متوکل احمد بن سلیمان وقاضی جعفر بن عبدالسلام افتخار شنیدن مواعظوی را داشته اند و از تلامیذ بزرگه وی ، رهبر بزرگه ابوسمید المحسن ابن کرامه الحاکم الجشمی بوده است .

یمن در قرن ششم یکی از دانشمندان بزرگه خود ، علامه قاضی جعفر بن عبدالسلام بهلولی متوفای ۵۷۳ را راهی دیار پارس کرد تا از نکات دقیق مذهب

روایت کتب اذنانمندان پارسی دانش بیندوزد و اندوخته‌های خود را به یمن رساند ، روابط بین دولت ادامه داشته ؛ پدرم در کتاب جامع المنون فی اخبار علماء الیمن المیمون آورده است که بسال ۱۱۱۳ میرزا نصیر سفیر شاه حسین، پور سلیمان پور شاه عباس نزد مهدی آمد . علت فرستادن وی این بوده است که مالیاتی که به ایران ارسال شده بود اسم مهدی بر آن نقش بسته بود شاه فرستاده خویش را به همراه هیأتی به یمن گسیل می‌دارد تا از حقیقت مهدی منتظر آگاه شوند چون ایشان وارد یمن شدند مهدی دستور داد شهرها را آذین بندند واز کارگزاران خود خواست که ایشان را احترام کنند فرستاده شاه با ابهت و جلال عظیمی در حالیکه قزل باشان او را همراهی می‌کردند به نزد امام شد و مهدی مقدم آنان را گرامی داشت و چون فرستاده شاه بر خانه مهدی فرود آمد از اینکه امام پیاس پیک شاه پیا نخواسته بود اندکی درنگ کرد مهدی که از این واقعه بخشم آمده بود سفیر حیل‌های اندیشید و پیک شاه را با یک قرآن به وی داد مهدی که چشمش به مصحف افتاده بود به احترام قرآن پیای خاست و مهدی هدایائی بسیار بر ایشان تقدیم داشت و از آنان پذیرائی شایانی بعمل آورد.

پدرم در سال ۱۳۵۵ هـ. ق به ایران مسافرت کرد، وی در این سفر بحضور رضاشاه کبیر و ولیعهد محمد رضاشاه افتخار شرفیابی پیدا کرد .

اکنون که ایران تحت رهبری‌های شاهنشاه خود و ثروتهای خدادادی به درجه‌ای از پیشرفت و عظمت رسیده که یکی از پیشرفته ترین کشورها بحساب می‌آید . لازم است همکاری و تعاون بین دو کشور ایران و یمن گسترش یابد .

بقیه از صفحه ۹۵۲

خدمت آقای مدیر محترم مجله وحید : شماره پنجم مجله وحید سال جاری توسط آقای خواجه عبدالرشید بدستم رسید . در مورد کتابخانه دیال سنگه در صفحه ۵۳۷ چاپ شده این توضیح اصلاحی را می‌فرستم .

تعداد کتابهای این کتب‌خانه بیشتر از هشتاد هزار جلد میباشد مشتمل بر کتابهای انگلیسی ، فارسی ، عربی و اردو .

در سال گذشته ما کتابهای خطی هم خرید کرده‌ایم و تقریباً هفتصد کتاب خطی در کتابخانه موجود می‌باشد . فهرست مخطوطات کتابخانه را نیز چاپ کرده‌ایم که نسخه‌ای از آن برای کتابخانه مجله وحید فرستاده می‌شود. والسلام

مصباح الحق صدیقی مدیر کتب خانه دیال سنگه لاهور - پاکستان .